

فرهنگ‌پذیری و سازگاری در میان جوانان کُرد

امیر رستگار خالدا^۱

مسعود سلمانی بیدگلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۰۲

چکیده

این مقاله درصدد بررسی اشکال مختلف فرهنگ‌پذیری (یکپارچه‌سازی، قومی، ملی و پراکنده) و سازگاری (روانی و فرهنگی-اجتماعی) و رابطه‌ی آن‌ها با هم در میان جوانان کُرد است. جامعه‌ی آماری جوانان بین سنین ۱۸ تا ۲۹ سال کُرد در شهرهای کرمانشاه و جوانرود می‌باشد. روش تحقیق پیمایش و تکنیک جمع‌آوری داده پرسش‌نامه است. رویکرد بررسی، فردمحور (تحلیل خوشه) و متغیرمحور (تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل رگرسیون) است. نتایج حاصل از تحلیل خوشه را نیم‌رخ‌های فرهنگ‌پذیری نامیدیم، که نیم‌رخ قومی شامل ۳۰ درصد از پاسخگویان، نیم‌رخ ملی شامل ۲۴/۵ درصد از پاسخگویان، نیم‌رخ یکپارچه‌سازی شامل ۳۴/۵ درصد از پاسخگویان، و نیم‌رخ پراکنده شامل ۱۱ درصد از پاسخگویان است. با تحلیل رگرسیون آشکار شد که وجود توأمان فرهنگ ملی و قومی باعث سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی بیشتری می‌شود. جهت‌گیری قومی، سازگاری روانی را بیشتر می‌کند و در سازگاری فرهنگی-اجتماعی تاثیر زیادی ندارد. تاثیر جهت‌گیری ملی در سازگاری فرهنگی-اجتماعی با جهت‌گیری قومی تفاوت چندانی ندارد.

واژگان کلیدی: فرهنگ‌پذیری، سازگاری، یکپارچه‌سازی، هویت قومی، هویت ملی

طرح مسئله

تغییرات و تعاملات فرهنگی توجه زیادی را هم در سطح ملی و سطح بین‌المللی در دو دهه‌ی اخیر به خود جلب کرده است؛ اما پژوهش در زمینه‌ی تحولات و سازگاری میان فرهنگی مورد غفلت واقع شده است. موارد استثنا در این زمینه تحقیقات بری و همکارانش در زمینه‌ی فرهنگ‌پذیری و سازگاری (بری، ۱۹۹۰؛ بری و آنیس، ۱۹۷۴؛ بری، کیم، میند و موک، ۱۹۸۷؛ بری، کیم، یانگ و بوجاکی، ۱۹۸۹) است (وارد و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۹۹۹). فرهنگ‌پذیری فرآیند تغییر روانی و فرهنگی است که در تعاملات بین فرهنگی پدید می‌آید. تغییرات فرهنگی شامل دگرگونی در رسوم و زندگی سیاسی و اقتصادی یک گروه است. تغییرات روانی شامل دگرگونی در نگرش‌های یک فرد به فرایند فرهنگ‌پذیری، هویت‌های فرهنگی و رفتار اجتماعی او در رابطه با تعاملات با گروه است. سازگاری نهایی نیز شامل هسته‌ی روانی (سلامت یک فرد) و مهارت‌های اجتماعی است که در کارکرد روزانه در موقعیت‌های پیچیده ضروری می‌باشد (بری و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۰۵).



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۶۶

دوره نهم
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۵

این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که جوانان کُرد چگونه بین دو هویت و فرهنگ متفاوت زندگی می‌کنند؟ این‌ها شامل هویت و فرهنگ والدین و خانواده از یک‌سو و هویت و فرهنگ گسترده‌تر و جامعه‌ای از سوی دیگر است. سوال دیگر این تحقیق بررسی میزان سازگاری جوانان در این شرایط مختلف است. در کل این پژوهش با توجه به نظریات بری و همکاران در مورد هویت، فرهنگ‌پذیری و سازگاری، این تئوری‌ها را در مورد جوانان کُرد مورد بررسی قرار می‌دهد و نتایج را با یافته‌های بری و همکاران مقایسه می‌کند.

از طرف دیگر پژوهشی در این رابطه در کشور انجام نشده است. بیشتر کارهای داخلی بر هویت ملی و تا حدودی هویت قومی توجه داشته‌اند. این کارها بیشتر به بررسی رابطه‌ی این هویت‌ها با مذهب (رزازی‌فر، ۱۳۷۹)، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی (حسینی و جلالی‌پور، ۱۳۹۱)، سرمایه‌ی ملی (جهانگیری و معینی، ۱۳۹۰)، زبان (احمدلو، ۱۳۸۱)، قومیت (حاتمی، ۱۳۸۸)، حمایت اجتماعی ادراک‌شده و تفاوت‌های فرهنگی (شکری و همکاران، ۱۳۹۵)، ارزش‌های فرهنگی (نجاتی، ۱۳۹۳)، قومیت و جنسیت (فلاحی، ۱۳۹۲) و ... پرداخته‌اند. همانگونه که مشاهده می‌شود کمبود پژوهش در این زمینه خاص (فرهنگ‌پذیری و سازگاری) بسیار مشهود است. هم‌چنین این تحقیق سرمایه‌های قومی و ملی را در یک زمینه‌ی گسترده‌تر

فرهنگ‌پذیری) بررسی می‌کند. یکی از تحقیقاتی که به این پژوهش نزدیک است پژوهش آلمال (۱۳۷۵) است که اشاره دارد از بین عوامل جامعه‌پذیری دو عامل خانواده و مدرسه بیش از سایر عوامل در شکل‌گیری هویت فرهنگی موثر است.

فرهنگ‌پذیری و سازگاری

کار عمده در زمینه‌ی مطالعه‌ی فرهنگ‌پذیری روانی، تحلیل مفهومی بری در نگرش‌های فرهنگ‌پذیری (بری و همکاران، ۱۹۸۹) است. بری اشاره می‌کند که دو بعد اساسی در فرهنگ‌پذیری وجود دارد؛ حفظ هویت فرهنگی اصلی خود و حفظ روابط با گروه‌های دیگر. تقسیم‌بندی دو بعدی مشابهی در این زمینه توسط فینی (۱۹۹۰) ارائه می‌شود. او اشاره می‌کند که دو بعد اساسی در مورد هویت فرهنگی هر فرد وجود دارد؛ ممکن است افراد هویت‌های غیروابسته به فرهنگشان و به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، داشته باشند (بری و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۰۶). سپس بری با توجه به این دو بعد کاملاً متمایز، چهار نگرش یا استراتژی فرهنگ‌پذیری را معرفی می‌کند: یکپارچه‌سازی، جدایی، همانندسازی و انزواطلبی. افرادی که هم به حفظ فرهنگی و هم به روابط بین‌گروهی توجه دارند، به رویکرد یکپارچه‌سازی تعلق می‌گیرند. کسانی که فقط به حفظ هویت فرهنگی تلاش دارند و به روابط بین‌گروهی اهتمام نمی‌ورزند، در رویکرد جدایی تعلق دارند. بر عکس، کسانی که به روابط بین‌گروهی توجه دارند و به هویت فرهنگی خود توجهی ندارند در رویکرد همانندسازی قرار دارند. در آخر افرادی که نه به حفظ هویت فرهنگی و نه روابط بین‌گروهی توجه می‌کنند، انزواطلب هستند. این چهار استراتژی با دیگر ویژگی‌های فرایند فرهنگ‌پذیری مانند تغییر در موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی، آموزش، الگوهای دوستی و استفاده‌ی زبان رابطه دارند (بری و همکاران، ۱۹۸۹).

بری و همکاران تحقیقی در مورد استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری و استرس حاصل از این استراتژی‌ها انجام داده‌اند (بری و همکاران، ۱۹۷۴، ۱۹۸۷، ۱۹۸۲، ۱۹۹۴). فرآیند فرهنگ‌پذیری در رابطه با استرس و چارچوبی با تاکید بر نتایج روانی منفی از تغییرات و تعاملات بین فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. مقدار استرس حاصل از فرهنگ‌پذیری و مشکلات تجربه‌شده در سازگاری با فرهنگ تحت تاثیر تعدادی از عوامل که در سطح فردی و جامعه وجود دارد

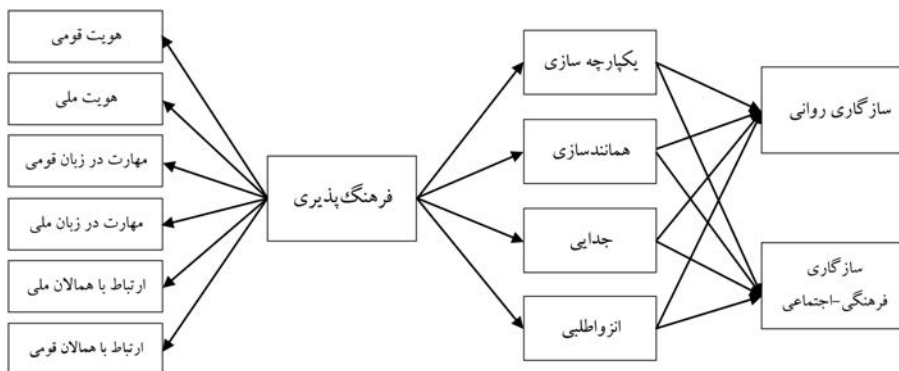


قرار می‌گیرد. اگرچه این عوامل شامل فاکتورهای شناختی و شخصیتی عزت نفس، جنس و قومیت، و حتی عوامل سیاسی و اجتماعی مانند تکثرگرایی فرهنگی (که در جامعه‌ی وسیع‌تر وجود دارد) است، اما نگرش‌های به فرهنگ‌پذیری تعیین‌کننده‌های مهم استرس حاصل از فرهنگ‌پذیری است. با توجه به این نکات، تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که انزوای و جدایی باعث استرس زیادی می‌شود، یکپارچه‌سازی با مقدار کمی از استرس رابطه دارد و همانندسازی مقدار متوسطی از استرس را شامل می‌شود (بری و همکاران: ۱۹۸۷).

وارد و کندی (۱۹۹۴) تلاش کرده‌اند تا کارشان در رابطه با سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی را با تئوری بری در رابطه با استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری تلفیق کنند. آن‌ها اشاره می‌کنند که سازگاری روانی از شخصیت، تغییرات در زندگی و حمایت اجتماعی اثر می‌گیرد. سازگاری فرهنگی-اجتماعی بیشتر وابسته به متغیرهایی از قبیل مدت زندگی در فرهنگ جدید، توانایی زبانی، فاصله‌ی فرهنگی و تعداد تعاملات است. دوما سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی الگوهای نوسان متفاوتی در طول زمان نشان می‌دهند. اگرچه مشکلات مربوط به سازگاری در آغاز در هر دو مورد بیشتر است، اما مشکلات فرهنگی-اجتماعی در طول زمان کاهش می‌یابد و کم‌کم تمام می‌شود اما مشکلات روانی در طول زمان متغیر است. در آخر آن‌ها بیان می‌کنند که نتایج این دو نوع سازگاری به الگوهای فرهنگ‌پذیری مربوط می‌شوند. وارد و کندی واکنش‌ها به فرهنگ‌پذیری را در رابطه با سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی بررسی می‌کنند. آن‌ها با بررسی دو بعد اساسی فرهنگ‌پذیری و چهار شکل فرهنگ‌پذیری فرضیه‌هایی شکل می‌دهند و به این نتیجه می‌رسند که تداعی هویت فرد باعث کاهش مشکلات روانی می‌شود. برعکس هویت جامعه‌ای بیشتر باعث باعث کاهش رفتاری‌های فرهنگی-اجتماعی می‌شود.

تئوری‌های بری و همکاران (۱۹۷۴، ۱۹۸۷، ۱۹۸۲، ۱۹۹۴، ۲۰۰۶)، وارد و کندی (۱۹۹۴) و فینی در مدلی شماتیک برای این پژوهش خلاصه شده است. تحقیق حاضر در صدد است تا این مدل شماتیک را با رویکردهای مختلف بررسی کند.





شکل ۱. مدل شماتیک تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایش بوده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق همه افراد بین ۱۸ تا ۲۹ سال دو شهر کرمانشاه و جوانرود است. بر اساس مرکز آمار ایران جامعه آماری در کرمانشاه ۲۳۰،۰۰۰ و در شهر جوانرود ۷۵۰۰۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران ۲۵۰ نفر حجم نمونه در کرمانشاه و ۱۵۰ نفر حجم نمونه در شهر جوانرود انتخاب شده است. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. بدین صورت که برای تکمیل پرسشنامه‌ها در هر شهر، نقشه شهر را به ۵ قسمت شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم شد. سپس در هر قسمت دو کوچه به صورت تصادفی گزینش و انتخاب شد. پرسشگر پس از مراجعه به هر کوچه بر اساس دستورالعمل زیر اقدام به تکمیل پرسشنامه نموده است:

۱. در انتخاب منزل نمونه پس از ۳ منزل، منزل نمونه انتخاب شد؛
۲. پس از انتخاب نمونه و در صورتی که فرد بین ۱۸-۲۹ سال در منزل ساکن بود با وی مصاحبه شد.

اگر در کوچه انتخاب شده تعداد نمونه مورد نظر تکمیل نشده باشد به کوچه مجاور مراجعه نموده و تعداد نمونه‌های باقیمانده تکمیل شده است. شهرها و بخش‌های انتخاب شده به شرح ذیل است:

جدول ۱. خوشه‌های انتخاب شده برای نمونه‌گیری

نام شهر	شمال	جنوب	شرق	غرب	مرکز
جوانرود	پاسداران	جانبازان	فرهنگیان	ترمینال	طالقانی
کرمانشاه	آبادانی و مسکن	فردوسی	رسالت	الهیه	فرهنگیان فاز ۱



تعریف عملیاتی متغیرها

پرسش‌نامه شامل ارزیابی متغیرهای مربوط به فرهنگ‌پذیری و سازگاری می‌باشد. سنجه‌ها یا برای این تحقیق طراحی شده‌اند و یا مستقیماً از مقیاس‌های موجود گرفته شده‌اند و یا اقتباسی از مقیاس‌های دیگر هستند.

نگرش‌های فرهنگ‌پذیری: این مقیاس بر اساس تئوری بری و همکاران در چهار نگرش فرهنگ‌پذیری سنجیده شده است: یکپارچه‌سازی، جدایی، همانندسازی و انزواطلبی. هر بعد نیز شامل ۵ گویه هستند. هر بعد مربوط به ۵ حوزه از زندگی می‌شوند که این حوزه‌ها عبارتند از رسومات فرهنگی، زبان، ازدواج، فعالیت‌های اجتماعی و دوستان.

هویت فرهنگی: هویت فرهنگی به دو بخش هویت ملی و هویت قومی تقسیم می‌شود. هویت ملی بر اساس بری و همکاران (۲۰۰۶) به دو بعد تایید^۱ هویت ملی و اهمیت هویت ملی برای فرد تقسیم می‌شود. هر بعد شامل ۵ گویه در مقیاس لیکرت سنجیده می‌شود. هویت قومی نیز طبق نظر فینی و همکاران (۲۰۰۷) به دو بعد شناخت^۲ و تعهد^۳ بخش می‌شود و هر بعد ۴ گویه را دربرمی‌گیرد.

رفتارهای فرهنگ‌پذیری: این متغیر طبق تئوری بری و همکاران (۲۰۰۶) ۵ بخش می‌شود که این بخش‌ها عبارتند از مهارت زبانی قومی، مهارت زبانی ملی، استفاده از زبان، ارتباط با همالان قومی و ارتباط با همالان ملی.

مهارت زبانی و استفاده از زبان: مقیاس مورد استفاده برای مهارت زبانی قومی، توانایی فرد در فهم، صحبت کردن، خواندن و نوشتن زبان قومی اشاره دارد که با چهار گویه سنجیده می‌شود. مهارت در زبان ملی نیز به همین روش اما با توجه به زبان ملی با چهار گویه سنجیده شده است. استفاده از زبان اشاره به میزان استفاده افراد از زبان قومی و یا ملی‌شان هنگام صحبت کردن با والدین و یا افراد خانواده دارد و با سه گویه مورد بررسی قرار گرفته است.

تعامل و ارتباط با همالان قومی و ملی: این دو مقیاس به تعداد تعاملات با همالان در یک گروه قومی و یا گروه ملی اشاره می‌کند. هر کدام از این ابعاد با چهار گویه سنجیده می‌شوند. سازگاری روانی: با توجه به بری و همکاران (۲۰۰۶) سازگاری روانی در سه بعد رضایت



1. Affirmation
2. Exploration
3. Commitment

از زندگی، عزت نفس و مشکلات روانی بررسی می‌شود. رضایت از زندگی با چهار گویه سنجیده می‌شود که میزان رضایت کلی فرد از زندگی را نشان می‌دهد. عزت نفس با ۳ گویه و مشکلات روانی نیز با چهار گویه بررسی می‌شوند.

سازگاری اجتماعی: سازگاری اجتماعی نیز طبق نظر بری و همکاران به دو بعد سازگاری محیطی و مشکلات اجتماعی تقسیم می‌شود. سازگاری محیطی با سه گویه و مشکلات اجتماعی با پنج گویه سنجیده می‌شود.

یافته‌ها

برای آزمایش مدل دو بعدی فرهنگ‌پذیری بری و همکاران و چهار شیوه‌ای که افراد در رابطه با فرهنگ قومی و ملی ایجاد رابطه می‌کنند باید از رویکرد فردمحور (در مقابل رویکرد متغیرمحور) استفاده کرد. برخلاف رویکرد متغیرمحور که روابط آماری در میان متغیرها را بررسی می‌کند، رویکرد فردمحور ویژگی‌های الگویی متغیرها را شناسایی می‌کند که در میان افراد متفاوت است. در رویکرد فردمحور، افراد در دسته‌ها و گروه‌هایی بر اساس مشابهت در چند خصلت جای می‌گیرند و این گروه‌ها و دسته‌ها مجموعه‌ای از ویژگی‌ها دارند که آن‌ها را از گروه‌های دیگر متمایز می‌کند (بری و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۱۳).

در این رابطه تحلیل خوشه در رابطه با تمام متغیرهای مربوط به فرایند فرهنگ‌پذیری انجام شد؛ نگرش‌های فرهنگ‌پذیری (یکپارچه‌سازی، جدایی، همانندسازی و انزواطلبی)، هویت قومی و ملی، شناخت زبان قومی و ملی، استفاده از زبان، تعامل اجتماعی با همالان قومی و ملی. تحلیل با روش میانگین‌های کا انجام شد. با توجه به چارچوب تئوریک بری و همکاران و همچنین با توجه به تفسیر نتایج از شاخه‌ها، نهایتاً چهار شاخه استفاده شد. این چهار خوشه (نیم‌رخ‌های فرهنگ‌پذیری^۱) مطابق با نامگذاری بری و همکاران بر این اساس نامگذاری شدند: نیم‌رخ قومی (شامل ۳۰ درصد از پاسخگویان)، نیم‌رخ ملی (شامل ۲۴/۵ درصد از پاسخگویان)، نیم‌رخ یکپارچه‌سازی (شامل ۳۴/۵ درصد از پاسخگویان)، و نیم‌رخ پراکنده^۳ (شامل ۱۱ درصد از پاسخگویان). همه‌ی پاسخگویان در یکی از این چهار خوشه جای گرفتند.

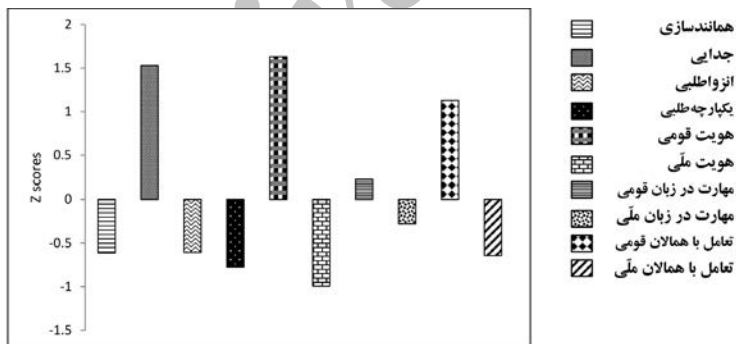
1. k-means method
2. Acculturation profiles
3. Diffuse profile



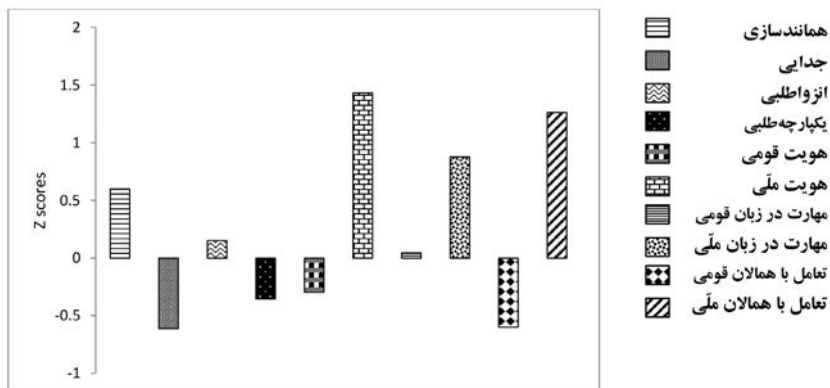


نیم‌رخ قومی (شکل ۱) شامل ۱۲۰ پاسخگو می‌باشد که جهت‌گیری روشنی به گروه قومی خود با هویت قومی بالا، مهارت در زبان قومی و تعاملات زیاد با همالان قومی خود نشان می‌دهند. میانگین نمره‌ی جدایی آن‌ها نیز بالاست و نمره‌ی پایینی در همانندسازی، هویت ملی و تعامل با گروه‌های ملی دارند.

نیم‌رخ ملی (شکل ۲) شامل ۹۸ پاسخگو می‌باشد که جهت‌گیری آن‌ها به سوی جامعه‌ی ملی است که در آن زندگی می‌کنند. در این خوشه ویژگی‌های خوشه‌ی قومی حضور کم‌رنگی دارند. افراد این خوشه هویت ملی و همانندسازی بالا و هویت قومی خیلی کمی از خود نشان می‌دهند. در استفاده از زبان ملی مهارت زیادی دارند و از آن استفاده‌ی زیادی می‌کنند. تعاملات با همالان شامل گروه‌های ملی می‌شود. نکته‌ی قابل توجه مهارت و استفاده از زبان قومی است که نمره‌ی زد آن در این خوشه مطابق با تحقیقات پیشین و مبانی نظری حاصل نشد و میزان آن بسیار بیشتر از انتظار بود. این نکته نشان‌دهنده‌ی توجه بسیار زیاد قومیت کرد ایران به زبان خود است که حتی در افرادی که هویت ملی بالا و هویت قومی پایینی دارند زبان کردی جایگاه ویژه‌ای دارد.

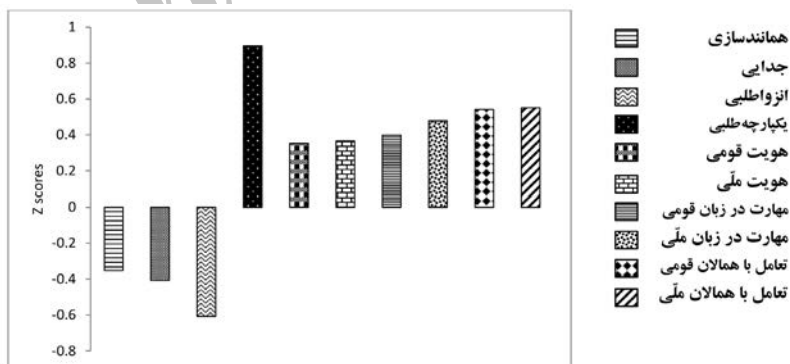


شکل ۲. نیم‌رخ قومی، نمره‌های استاندارد جوانان کرد شهرهای کرمانشاه و جوانرود در ۱۰ متغیر



شکل ۳. نیم‌رخ ملی، نمره‌های استاندارد جوانان کُرد شهرهای کرمانشاه و جوانرود در ۱۰ متغیر

نیم‌رخ یکپارچه‌سازی (شکل ۳) شامل ۱۳۸ پاسخگو است. این خوشه بیشترین پاسخگو را در خود جای می‌دهد. پاسخگویانی که در این خوشه جای می‌گیرند هم در فرهنگ قومی و هم در فرهنگ ملی فعالیت می‌کنند؛ هویت ملی و هویت قومی بالایی از خود نشان می‌دهند، به یکپارچه‌سازی توجه زیادی دارند و جدایی، انزواطلبی و همانندسازی نمره‌ی پایینی برای آن‌ها دارد. مهارت در زبان قومی و ملی آن‌ها زیاد است، اما میانگین زبان ملی آن‌ها کمی بیشتر از زبان قومی آن‌ها است. افراد این خوشه با گروه‌های قومی و ملی تعاملات زیادی دارند.



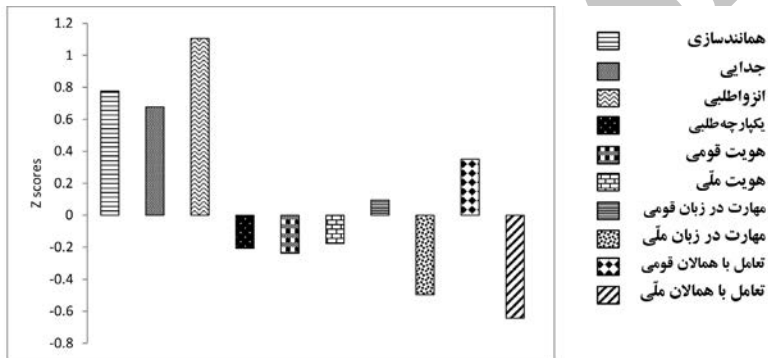
شکل ۴. نیم‌رخ یکپارچه‌سازی، نمره‌های استاندارد جوانان کُرد شهرهای کرمانشاه و جوانرود در ۱۰ متغیر

نیم‌رخ پراکنده (شکل ۴) شامل ۴۴ پاسخگو است و کمترین تعداد پاسخگو نیز در این خوشه قرار دارد. تفسیر این خوشه کمی دشوار است. پاسخگویان هویت قومی پایینی از خود



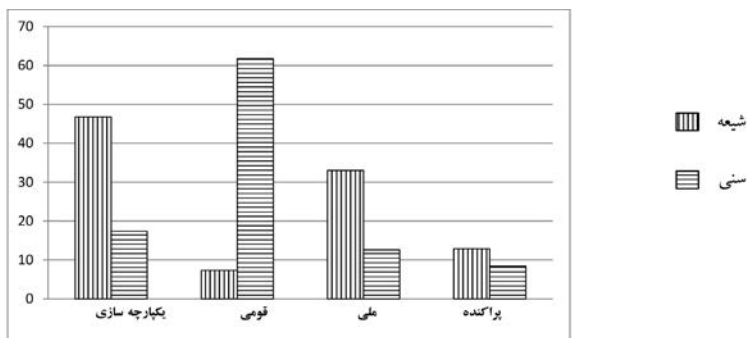


نشان داده‌اند، اما از طرف دیگر نمره‌ی مهارت در هویت قومی و مخصوصاً نمره‌ی تعامل با همالان قومی آن‌ها بالا است. هویت ملی و تعامل با همالان ملی نیز برای آن‌ها پایین است. نمره‌ی آن‌ها در سه بعد متضاد نگرش‌های فرهنگ‌پذیری (هماندسازی، جدایی و انزواطلبی) بالا است. این نتایج ناهماهنگ اشاره به این نکته دارد که جوانان در مورد جایگاهشان در جامعه مردد هستند و شاید خواهان ارتباط با جامعه‌ی بزرگتر هستند اما مهارت‌ها و توانایی ایجاد تعامل را ندارند. نام این نیم‌رخ نیز در ارتباط با ادبیات در زمینه‌ی شکل‌گیری هویت است که مشخصه‌ی آن کمبود تعهد به یک مسیر مشخص است و افراد آن از لحاظ اجتماعی منزوی هستند و به همین دلیل نیم‌رخ پراکنده برای آن برگزیده شده است.



شکل ۵. نیم‌رخ پراکنده، نمره‌های استاندارد جوانان کُرد شهرهای کرمانشاه و جواهرود در ۱۰ متغیر

یکی از مهم‌ترین نتایج در تحلیل تفاوت در نیم‌رخ‌های فرهنگ‌پذیری بر اساس مذهب هر پاسخگو بدست آمد. آزمون خی دو برای چهار نیم‌رخ فرهنگ‌پذیری و دو طبقه از مذهب (شیعه و سنی) معنادار شد ($X^2(df=3)=215.672; p<0/01$). نتیجه بدین صورت است که ۶۲ درصد از پاسخگویان سنی در نیم‌رخ قومی، ۱۳ درصد در نیم‌رخ ملی، ۱۷ درصد در نیم‌رخ یکپارچه‌سازی و ۸ درصد در نیم‌رخ پراکنده و ۷ درصد از پاسخگویان شیعه در نیم‌رخ قومی، ۳۳ درصد در نیم‌رخ ملی، ۴۷ درصد در نیم‌رخ یکپارچه‌سازی و ۱۳ درصد در نیم‌رخ پراکنده جای می‌گیرند. تفاوت بین هویت قومی در میان پاسخگویان سنی و شیعه بسیار قابل توجه است. افراد شیعه هویت ملی بیشتری دارند و تعاملات آن‌ها بیشتر با گروه‌های ملی است، اما ارتباطات پاسخگویان سنی بیشتر درون‌گروه قومی آن‌ها است.



شکل ۶. نیم‌رخ‌های فرهنگ پذیری بر اساس مذهب پاسخگو

سازگاری در میان جوانان کُرد

در این جا دو متغیر سازگاری روانی و سازگاری فرهنگی-اجتماعی در میان نیم‌رخ‌های مختلف بررسی می‌شود. ابتدا با تحلیل عاملی اکتشافی ۵ بعد این دو متغیر را تحلیل کردیم تا ببینیم به این دو عامل می‌رسیم یا نه. نتایج این گونه بود؛ کفایت تعداد داده‌ها از طریق آزمون KMO و بارتلت^۱ مورد ارزیابی قرار گرفت و مقدار KMO، ۰/۶۱۴ بدست آمد و چون بالاتر از ۰/۶ است، نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است.

جدول ۲. نتایج آزمون بارتلت و KMO

The Kaiser-Meyer-Olkin measure of sampling adequacy		۰/۶۱۴
آزمون بارتلت	کای دو تقریبی	۱۲۳/۲۵۵
	درجه‌ی آزادی	۱۰
	sig	۰/۰۰۰

طبق تحلیل عاملی ۵ شاخص موردنظر به دو عامل اشاره شده تقسیم شدند. این دو عامل ۵۶/۱ درصد واریانس کل را تبیین کردند. رابطه‌ی بین عامل‌ها و متغیرها از طریق ماتریس چرخش یافته اجزا مشخص شده است (روش چرخش: واریماکس با نرمال‌سازی کایزر^۲).

1. Bartlett's test

2. Varimax with Kaiser normalization



جدول ۳. ماتریس چرخش یافته‌ی اجزا

متغیرها	عامل اول	عامل دوم
رضایت از زندگی	۰/۷۲۵	
عزت نفس	۰/۷۷۴	
مشکلات روانی	-۰/۵۴۴	
سازگاری محیطی		۰/۸۲۵
مشکلات اجتماعی		-۰/۷۳۴
مقدار ویژه	۱/۴۸۷	۱/۳۱۹
درصد واریانس	۲۹/۷۳۵	۲۶/۳۷۴
کل واریانس	۵۶/۱۰۹	

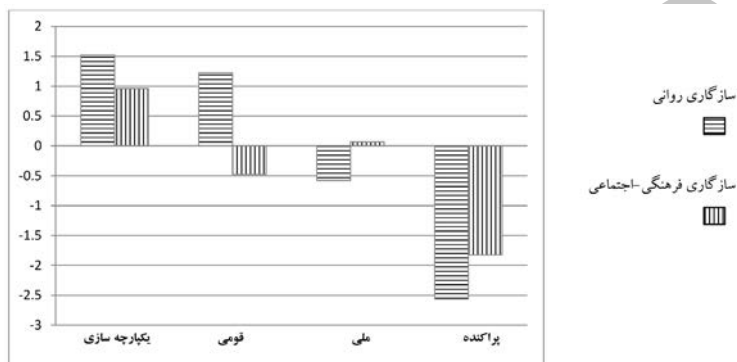
عامل اول سازگاری روانی و عامل دوم سازگاری فرهنگی-اجتماعی (طبق بری وهمکاران، ۲۰۰۶) نامگذاری شده است.

با استفاده از تحلیل واریانس به مقایسه‌ی متغیرهای جنس و نوع مذهب (به عنوان عوامل ثابت) با سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی (به عنوان متغیرهای وابسته) پرداختیم. بین جنس و دو نوع سازگاری در بین جوانان کُرد رابطه‌ی معناداری حاصل نشد؛ اما بری (۲۰۰۶) اشاره می‌کند که بین جنس و انواع سازگاری رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ مردان میانگین بالاتری در سازگاری روانی و میانگین سازگاری فرهنگی-اجتماعی پایین‌تری نسبت به زنان دارند. اما بین نوع مذهب و سازگاری روانی در بین جوانان کُرد رابطه‌ی معناداری حاصل شد. افراد با مذهب سنی دارای میانگین سازگاری روانی بالاتری نسبت به افراد شیعه بودند (مقدار $F=2294/568$ و سطح اطمینان ۹۹ درصد). هم‌چنین بین سازگاری فرهنگی-اجتماعی و نوع مذهب نیز رابطه‌ی معناداری حاصل نشد.

بری (۱۹۹۷) و بری و سم (۱۹۹۷) اشاره می‌کنند که نیم‌رخ یکپارچه‌سازی بهترین و نیم‌رخ پراکنده بدترین سازگاری‌های روانی و فرهنگی-اجتماعی را دارند. بررسی چهار نیم‌رخ فرهنگ‌پذیری با سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی در میان جوانان کُرد، نظر آن‌ها را تایید می‌کند. همان‌گونه که در شکل ۶ مشاهده می‌شود افرادی که در نیم‌رخ یکپارچه‌سازی قرار دارند نمره‌ی بالایی هم در سازگاری روانی و هم در سازگاری فرهنگی-اجتماعی دارند، درحالی‌که افرادی که در نیم‌رخ پراکنده هستند، نمره‌ای بسیار پایین‌تر از میانگین دارند. نتایج



دیگر این تحلیل نیز با انتظارات نظری هماهنگی دارد. بری اشاره می‌کند که افراد نیم‌رخ قومی سازگاری روانی بالا و سازگاری فرهنگی-اجتماعی پایینی دارند. نتایج بررسی جوانان کُرد (شکل ۶) با این نظر هماهنگ است. طبق نظر بری افراد نیم‌رخ ملی نمره‌ی سازگاری روانی پایینی دارند و تفاوت روشنی با دیگر نیم‌رخ‌ها در زمینه‌ی سازگاری فرهنگی-اجتماعی ندارند.



شکل ۷. سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی با نیم‌رخ‌های فرهنگ پذیری

برای بررسی رابطه‌ی بین فرهنگ‌پذیری جوانان و سازگاری آن‌ها تحلیل عاملی تمام متغیرهای مربوط را انجام دادیم و سپس تحلیل عاملی را در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده کردیم. تحلیل عاملی اکتشافی با متغیرهای فرهنگ‌پذیری چهار عامل را ارائه کرد (مطابق با بری و همکاران، ۲۰۰۶). عامل جهت‌گیری قومی اشاره به ابعاد مختلف رابطه و همانندسازی جوانان با افراد در فرهنگ قومی خودشان دارد. عامل جهت‌گیری ملی اشاره به ابعاد مختلف رابطه و همانندسازی با فرهنگ ملی دارد. عامل یکپارچه‌سازی نگرش‌های به دو فرهنگ قومی و ملی را ترکیب می‌کند. عامل چهارم رفتارهای قومی را شامل می‌شود. نمره‌ی بالاتر در این عامل به معنی رابطه‌ی بیشتر با همالان قومی و مهارت و استفاده‌ی بیشتر از زبان قومی است و نمره‌ی پایین‌تر دلالت بر جهت‌گیری به سوی دوستان در گروه ملی و استفاده بیشتر از زبان ملی است. این چهار عامل (که متغیرهای مختلف را با هم ترکیب می‌کند) با چهار نیم‌رخ فرهنگ‌پذیری (یکپارچه‌سازی، قومی، ملی و پراکنده) که افراد مختلف را ترکیب می‌کند و از تحلیل خوشه استفاده می‌شود، نباید اشتباه گرفته شود.

بری و همکاران اشاره می‌کنند که این چهار عامل فرهنگ‌پذیری بر سازگاری روانی و فرهنگی-





اجتماعی مقدم هستند. این چهار عامل بین فرهنگی به دو متغیر سازگاری به شیوه‌های مختلف تاثیر می‌گذارند. انتظارات نظری بری و همکاران این است که ترکیب فرهنگ ملی و قومی، سازگاری بهتری را در مقایسه با تاکید به یکی از این عوامل (فرهنگ ملی یا قومی) ایجاد می‌کند (بری و همکاران، ۲۰۰۶: ۳۲۲).

نتایج حاصله مطابق با انتظارات نظری بری و همکاران در مورد عامل‌های فرهنگ‌پذیری و سازگاری است. وجود توأمان فرهنگ ملی و قومی باعث سازگاری روانی (وزن رگرسیون استاندارد شده، ۰/۷۹) و فرهنگی-اجتماعی (وزن رگرسیون استاندارد شده، ۰/۶۸) بیشتری می‌شود. جهت‌گیری قومی، سازگاری روانی (وزن رگرسیون استاندارد شده، ۰/۷۲) را بیشتر می‌کند و در سازگاری فرهنگی-اجتماعی تاثیر زیادی (وزن رگرسیون استاندارد شده، ۰/۱۱) ندارد. تاثیر جهت‌گیری ملی در سازگاری فرهنگی-اجتماعی با جهت‌گیری قومی تفاوت چندانی ندارد (وزن رگرسیون، ۰/۰۹) و مطابق انتظار اثری بر آن ندارد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با استفاده از تئوری‌های بری و همکاران (۱۹۹۰، ۱۹۷۴، ۱۹۸۷ و ۱۹۸۹)، وارد و همکاران (۱۹۹۹) و مخصوصاً مقاله‌ی اخیر بری و همکاران (۲۰۰۶) درصد بررسی آن در میان جوانان کرد برآمد. بررسی‌ها میان انواع فرهنگ‌پذیری و سازگاری انجام شد. رویکرد بررسی هم فردمحور و هم متغیرمحور بود. در رویکرد فردمحور تحلیل خوشه انجام شد و جوانان کرد در چهار خوشه از حیث فرهنگ‌پذیری (نیم‌رخ‌های یکپارچه-سازی، قومی، ملی و پراکنده) قرار گرفتند (مطابق با تئوری بری و همکاران). نتایج این تحقیق در مقایسه با یافته‌های بری و همکاران مقایسه شد. در این تحقیق ابتدا ویژگی‌های فرهنگ‌پذیری مشخص شد و افراد در یکی از چهار نیم‌رخ قرار گرفتند. سپس رابطه‌ی این نیم‌رخ‌ها با مذهب بررسی شد (آزمون خی‌دو). یکی از مهم‌ترین نتایج، بررسی نوع مذهب (شیعه و سنی) در چهار نیم‌رخ فرهنگ‌پذیری بود که یافته‌های مهمی داشت؛ پاسخگویان شیعه بیشتر در نیم‌رخ یکپارچه‌سازی و ملی قرار گرفتند و پاسخگویان سنی در نیم‌رخ قومی حضور زیادی داشتند. افراد شیعه هم هویت ملی و هم هویت قومی بالایی از خود نشان می‌دهند؛ این مسئله به این موضوع برمی‌گردد که چون ساختار حکومتی با مذهب شیعه ارتباط بیشتری دارد، پس شیعه‌های کرد

بیشتر ارتباط برقرار می‌کنند و هویت قومی بیشتر دارند، هم در زبان قومی و هم در زبان ملی مهارت دارند، از زبان ملی بیشتر از افراد سنی استفاده می‌کنند، و تعامل آن‌ها نیز هم با همالان قومی و هم با همالان ملی زیاد است. برعکس افراد سنی بیشتر ویژگی‌های درون-گروهی از خود نشان می‌دهند و در بیشتر خصوصیات برعکس افراد شیعه عمل می‌کنند. به تفاوت در ساختار مذهب این افراد با گروه بزرگتر (جامعه ملی)، افراد با مذهب سنی به فرهنگ‌های قومی روی می‌آورند، جدایی بالایی از فرهنگ ملی نشان می‌دهند، هویت قومی بسیار بالا و هویت ملی پایینی دارند، و تعامل زیادی با همالان قومی خود دارند. پس میتوان نتیجه گرفت که مذهب نقش بسیار عمده‌ای در این تفاوت‌های فرهنگی بین افراد با هویت یکسان (کرد) ایفا می‌کند.

در مرحله‌ی بعد تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از متغیرهای پیشنهادی بری و همکاران انجام شد و دو عامل سازگاری روانی و فرهنگی-اجتماعی بدست آمدند. متغیرهای مربوط به فرهنگ‌پذیری نیز با تحلیل عاملی به چهار عامل تقسیم شدند. سپس رابطه‌ی این چهار عامل با دو عامل سازگاری بررسی شد. در عامل یکپارچه-سازی هم سازگاری روانی و هم سازگاری فرهنگی-اجتماعی بالایی وجود دارد. این نتیجه به این دلیل است که کسانی که در عامل یکپارچه‌سازی قرار می‌گیرند، در بیشتر متغیرها نمره‌ی بالایی دارند و ویژگی‌های فرهنگ قومی و ملی را با هم و به صورت ترکیبی دارا می‌باشند. کسانی که فرهنگ قومی بالایی دارند، سازگاری روانی بیشتر و سازگاری فرهنگی-اجتماعی پایینی دارند؛ به این دلیل که آن‌ها رابطه‌ی زیادی با فرهنگ گسترده‌تر (ملی) ندارند و سازگاری اجتماعی آن‌ها کم است و از نظر روانی با افراد درون‌گروه خود سازگاری بالایی دارند.



منابع

آمال، فرنگیس (۱۳۷۵)، پایان نامه کارشناسی ارشد، بررسی عوامل موثر بر شکل گیری هویت فرهنگی دانش آموزان سال سوم دبیرستان منطقه ۵ آموزش و پرورش تهران.

احمدلو، حبیب؛ افروغ، عماد (۱۳۸۱)، رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، *مطالعات ملی*، ۴ (۱۳)، ۱۰۹-۱۴۳.

جهانگیری، جهانگیر؛ معینی، مهدی (۱۳۸۹)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و هویت ملی؛ نمونه‌ی مورد مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شیراز، *علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)*، ۱۶، ۳۷-۴۷.

حاتمی کاکش، فرزین؛ کردونی، روزبه (۱۳۸۸)، بررسی رابطه میزان گرایش به هویت ملی و هویت قومی در بین بختیاری‌ها، *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران*، ۱ (۲).

حسینی، ابراهیم و جلایی‌پور، محمدرضا (۱۳۹۱)، بررسی رابطه سرمایه اجتماعی برون گروهی با هویت ملی جوانان؛ بررسی موردی: دانشجویان و غیردانشجویان اقوام ترک و کرد، *علوم اجتماعی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۳، ۳۲۲ تا ۲۹۹.

رزازی‌فر، افسر (۱۳۷۹)، الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران (با تاکید بر رابطه میان هویت ملی و ابعاد آن)، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲ (۵)، ۱۳۳-۱۰۱.

شکری، امید؛ کرمی نوری، رضا؛ فراهانی، محمد تقی؛ مرادی، علیرضا (۱۳۹۵)، رواسازی میان فرهنگی مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی در ک شده در دانشجویان ایرانی و سوئدی، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹ (۲)، ۱۰۰-۷۵. فلاحتی، لیلا (۱۳۹۵)، نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسبت با قومیت و جنسیت، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹ (۱)، ۳۳-۵۹.

نجاتی، وحید (۱۳۹۳). طراحی معماهای اجتماعی شناختی برای سنجش ارزش‌های فرهنگی و بررسی روایی آن. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷ (۲۵)، ۵۹-۳۱.

Berry, J. W. (1974), Psychological aspects of cultural pluralism, *Topics in Cultural Learning*, 2, 17-22.

Berry, J. W. (1990), Psychology of acculturation, In R. W. Brislin (Ed.), *applied cross-cultural Psychology*, (232-253). Newbury Park, CA: Sage.

Berry, J. W. (1994), Acculturation and psychological adaptation. In A.-M, Bouvry, F.J.R. van de Vijver & P. Schmitz (Eds.), *Journeys into cross-cultural psychology* (129-141). Lisse, Netherlands: Swets & Zeitlinger.

Berry, J. W. (1997). Immigration, acculturation, and adaptation, *Applied Psychology: An Inter -national Review*, 46, 5-34.

Berry, J. W., & Annis, R. C. (1974), Acculturative stress: The role of ecology, culture, and



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۸۰

دوره نهم
شماره ۴
زمستان ۱۳۹۵

differ-entiation. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 5, 382-406.

Berry, J. W., Kim, U., Minde, T., & Mok, D. (1987) Comparative studies of acculturative stress, *International Migration Review*, 21, 491-511.

Berry, J. W., Kim, U., Power, S., Young, M., & Bujaki, M, (1989), Acculturation studies in plural Societies, *Applied Psychology: An International Review*, 38, 135-186.

Berry, J. W., Phinney, J. S., Sam, D. L. & Vedder, P., (2006), Immigrant Youth: Acculturation, Identity, and Adaptation, *International Association for Applied Psychology*, 55 (3), 303-332.

Berry, J. W., Wintrob, R., Sindell, P. S., & Mawhinney, T. A (1982), Psychological adaptation to culture change among the James Bay Cree, *Naturaliste Canadien*, 109, 965-975.

Berry, J. W., & Sam, D. L. (1997). Acculturation and adaptation. *Handbook of cross-cultural psychology*, 3, 291-326.

Phinney, J. S. (1990). Ethnic identity in adolescents and adults: review of research. *Psychological bulletin*, 108(3), 499.

Phinney, J. S. & Ong, A. D. (2007), Conceptualization and Measurement of Ethnic Identity: Current Status and Future Directions, *Journal of Counseling Psychology*, 2007, Vol. 54 (3), 271-281.

Ward, C. & Kennedy, A (1992), locus of control, mood disturbance, and social difficulty during cross-cultural transitions, *International Journal of Intercultural Relations*, 16, 175-194.

Ward, C. & Rana-deuba, A. (1999), acculturation and adaptation revisited, *journal of cross-cultural psychology*, vol. 30 no. 4, July 1999 422-442.





- Hoseyni, E., & Jalāyi Pur, M. R. (1391 [2012 A.D]). Barresi-e rābeteh-ye sarmāyeh-ye ejtemā'i-e borun goruhi bā huviat-e meli-e javānān; Barresi-e muredi: dānešjuān va gheyr-e dānešjuān-e aqvām-e Tork va Kord. 'Olum-e ejtemā'i, farhang dar dānešgāh-e eslāmi, 3, 299-322.
- Jahāngiri, J., & Mo'ini, M. (1389 [2010 A.D]). Barresi-e rābeteh-ye sarmāyeh-ye ejtemā'i va huviat-e meli; nemuneh-ye mured-e motāle'eh: Dānešjuān-e Dānešgāh-e Širāz. 'Olum-e ejtemā'i (Dānešgāh-e Mašhad), 16, 37-74.
- Nejāti, V. (1393 [2014 A.D]). Tarāhi-e mo'amā-hā-ye ejtemā'i- šenāxti barāye sanješ-e arzeš-hā-ye farhangi va Barresi-e ravāyi-e ān. Tahqiqāt-e farhangi, 7(25), 31-59.
- Phinney, J. S. (1990). Ethnic identity in adolescents and adults: Review of research. *Psychological Bulletin*, 108 (3), 499.
- Phinney, J. S., & Ong, A. D. (2007). Conceptualization and Measurement of Ethnic Identity: Current Status and Future Directions. *Journal of Counseling Psychology*, 54(3), 271-281.
- Razāzi Far, A. (1379 [2000 A.D]). Olgu-ye jāme'eh šenāxti-e huviat-e meli dar Irān (bā ta'kid bar rābeteh-ye miān-e huviāt-e meli va ab'ād-e ān). *Motāle'āt-e meli*, 2(5), 101-133.
- Šokri, O., Karami Nuri, R., Farāhāni, M. T., & Morādi, 'A. R. (1395 [2016 A.D]). Ravāsāzi-e miān farhangi-e meqyās-e čandbo'di-e hemāyat-e ejtemā'i-e dark-šodeh dar dānešjuān-e Irāni va Su'edi. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 9(2), 75-100.
- Ward, C., & Kennedy, A. (1992). Locus of Control, Mood Disturbance and Social Difficulty during Cross-Cultural Transitions. *International Journal of Intercultural Relations*, 16, 175-194.
- Ward, C., & Rana-deuba, A. (1999). Acculturation and Dadaptation Revisited. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 30(4), 422-442.

Bibliography

- Ahmadlu, H., & Afrugh, 'E. (1381 [2002 A.D]). Rābeteḥ-ye huviat-e meli va huviat-e qumi dar beyn-e javānān-e Tabriz. *Motāle'āt-e meli*, 4(13), 109-143.
- Ālmāl, F. (1375 [1996 A.D]). Barresi-e 'avāmel-e mu'aser bar šekl-giri-e huviat-e farhangi-e dāneš-āmuzān-e sāl-e sevom-e dabirestān-e mantaqeh-ye 5 Āmuzeš va Parvareš-e Tehrān. (Pāyān-nāmeḥ-ye kāršenāsi-e aršad). *Dānešgāh-e Allameh Tabātabā'i, Dāneškadeh-ye Olum-e Ejtemāee*.
- Berry, J. W. (1974). Psychological Aspects of Cultural Pluralism. *Topics in Cultural Learning*, 2, 17-22.
- Berry, J. W. (1990). Psychology of Acculturation, in R. W. Brislin (Ed.). *Applied Cross-Cultural Psychology*. Newbury Park, CA: Sage, 232-253.
- Berry, J. W. (1994). Acculturation and Psychological Adaptation. In A.-M, Bouvry, F.J.R. van de Vijver and P. Schmitz (Eds.). *Journeys into Cross-Cultural Psychology*. Lisse, Netherlands: Swets and Zeitlinger, 129-141.
- Berry, J. W. (1997). Immigration, Acculturation and Adaptation. *Applied Psychology: An International Review*, 46, 5-34.
- Berry, J. W., & Sam, D. L. (1997). Acculturation and adaptation. *Handbook of cross-cultural Psychology*, 3, 291-326.
- Berry, J. W., & Annis, R. C. (1974). Acculturative Stress: The Role of Ecology, Culture and Differentiation. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, (5), 382-406.
- Berry, J. W.; Kim, U.; Minde, T., & Mok, D. (1987). Comparative Studies of Acculturative Stress. *International Migration Review*, 21, 491-511.
- Berry, J. W.; Kim, U.; Power, S.; Young, M., & Bujaki, M. (1989). Acculturation Studies in Plural Societies. *Applied Psychology: An International Review*, 38, 135-186.
- Berry, J. W.; Wintrob, R.; Sindell, P. S., & Mawhinney, T. A (1982). Psychological Adaptation to Culture Change among the James Bay Cree. *Naturaliste Canadien*, 109, 965-975.
- Berry, J. W.; Phinney, J. S.; Sam, D. L., & Vedder, P. (2006). Immigrant Youth: Acculturation, Identity and Adaptation. *International Association for Applied Psychology*, 55(3), 303-332.
- Falāḥati, L. (1395 [2016 A.D]). Negareš beh naqš-hā-ye jensiati dar nesbat bā qumiat va jensiat. *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 9(1), 33-59.
- Hātami Kākaš, F., & Karduni, R. (1388 [2009 A.D]). Barresi-e rābeteḥ-ye mizān-e gerāyeš beh huviat-e meli va huviat-e qumi dar beyn-e Baxtiāri-hā, *Jāme'eh-šenāsi-e masā'el-e ejtemā'i-e Irān*, 1(2), 91-115.



Acculturation and Adaptation among Kurdish Youth

Received Date: July 06, 2015

Accepted Date: October 24, 2015

Amir Rastegarkhaled¹
Masood Salmani Bidgoli²

Abstract

The article investigates different forms of acculturation (integration, ethnic, national and diffuse) and adaptation (psychological and sociocultural) and their relations among Kurdish youth. The research uses survey methods. Research census is people between ages 18 and 29 in Kermanshah and Javanroud cities in Kermanshah province. To analyze the data we used a person approach (cluster analysis) and variable approach (explanatory factor analysis and path analysis). We refer to the resulting clusters as acculturation profiles: an ethnic profile (including 30% of the sample), a national profile (24.5%), an integration profile (34.5%), and a diffuse profile (11%). Path analysis results that a combined involvement in the national and the ethnic cultures is associated with more positive adaptation outcomes. We found that the effect of ethnic orientation on psychological adaptation was stronger than the one on sociocultural adaptation. Also we found that national orientation did not have a stronger impact on sociocultural adaptation than ethnic orientation.

Keywords: Acculturation, Adaptation, Integration, Ethnic Identity, National Identity



Cultural Research

26

Vol.9
No.4

Winter 2017

1. Assistant Professor of Sociology, Shahed University, (Corresponding Author);
rastegar@shahed.ac.ir

2. M.A. of Social Research, Shahid Beheshti University; masoodsa13@yahoo.com